

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع و نگارش: الحاج داکتر امین الدین « سعیدی- سعید افغانی »
۱۹ جون ۲۰۱۶

تفسیر احمد ۱۲

ترجمه و تفسیر سوره الفجر - ۲

زمین مغضوب :

زمین مغضوب عبارت از زمینی است که مورد (غضب الهی) قرار گرفته باشد، از جمله سر زمین غضب کرده شده می توان از : سرزمین قوم لوط و سرزمین بابل و ثمود (بین مدینه و شام که قوم صالح علیه السلام بودند) و مسجد ضرار (مجاور مسجد قباء است که توسط منافقین بنا شده بود) ، نام برد .
اگرچه نماز خواندن در سرزمین مغضوب نزد جمهور علماء در زمین مغضوبه، در ست است ولی تعداد دیگری از علماء حتی خواندن نماز را در این محلات مکروه می دانند .

محدثین می فرمایند: در یکی از روز ها پیامبر صلی الله علیه وسلم بر سرزمین ثمود عبور کردند و فرمودند : «لَا تَدْخُلُوا عَلَى هَؤُلَاءِ الْمُعَذَّبِينَ إِلَّا أَنْ تَكُونُوا بَاكِينَ، فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا بَاكِينَ فَلَا تَدْخُلُوا عَلَيْهِمْ، لَا يُصِيبُكُمْ مَا أَصَابَهُمْ» بخاری (۴۳۳). یعنی : « به سرزمین اینها که مورد عذاب خدا قرار گرفته اند وارد نشوید، مگر به حالت گریان، و اگر حالت گریه نداشتید بر آنان وارد نشوید، تا عذابی که بر آنان نازل شده بر شما نازل نشود» .
و در لفظ مسلم آمده است : «لَا تَدْخُلُوا مَسَاكِنَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ، إِلَّا أَنْ تَكُونُوا بَاكِينَ حَذْرًا، أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَهُمْ» مسلم (۲۹۸۰). یعنی : « به منزل کسانی که به خود ظلم کرده اند وارد نشوید مگر به حالت گریه و زاری، تا عذابی که بر آنان نازل شده بر شما نازل نشود» .

و از ابن عمر رضی الله عنه روایت است که گفت : «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمَّا نَزَلَ الْحَجْرَ فِي غَزْوَةِ تَبُوكَ أَمَرَهُمْ أَنْ لَا يَشْرَبُوا مِنْ بَيْرِهَا وَلَا يَسْتَقُوا مِنْهَا، فَقَالُوا: قَدْ عَجَبْنَا مِنْهَا وَاسْتَقَيْنَا، فَأَمَرَهُمْ أَنْ يَطْرَحُوا ذَلِكَ الْعَجِينَ وَيَهْرِبُوا ذَلِكَ الْمَاءِ» بخاری (۳۳۷۸) و مسلم (۲۹۸۱). یعنی : هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه وسلم در غزوه تبوک در محل حجر (منازل ثمود) توقف کرد، دستور داد تا نه از آب آن چاه بنوشند و نه از آن بردارند. صحابه گفتند: ما از آب چاه، آرد، خمیر کرده ایم و آب برداشته ایم! رسول خدا صلی الله علیه وسلم دستور داد تا آن خمیر را ببندازند (و به شترها بدهند) و آن آب را بریزند و امام بخاری در صحیح خود ذکر کرده که علی رضی الله عنه نماز خواندن در بابل را مکروه می دانستند. (تفصیل موضوع را میتوان در : الموسوعة الفقهية (۱۹۰/۳۰). مطالعه نمود.

« وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأُوْتَادِ » (۱۰) (و) آیا خبر نداری که پروردگارت (با فرعون چه کرده است ؟

سیرت نویسان می نویسند بعد از این که موسی علیه السلام و پیروانش ، از ظلم و ستم فرعونیان به ستوه آمده بودند و همچنان در فشار و سختی به سر می بردند، سرانجام موسی علیه السلام تصمیم گرفت که با پیروان خویش ، به سوی فلسطین (بیت المقدس) هجرت نمایند.

خداوند به موسی علیه السلام وحی کرد: پیروان خود را شبانه از مصر خارج کن.

موسی علیه السلام و پیروانش، شبانه از مصر به سوی فلسطین حرکت کردند، در مسیر راه به رود نیل رسیدند، در این بحران شدید، خداوند با لطف خاص خود به موسی علیه السلام وحی کرد: عصای خود را به دریا بزن (فَأَوْخِنَا إِلَى مُوسَى أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ... (شعراء، ۶۳) و نیز فرمود: «فَأَضْرِبْ لَهُمْ طَرِيقاً فِي الْبَحْرِ يَبَساً لَا تَخَافُ دَرْكاً وَ لَا تَخْفَى» برای بنی اسرائیل راهی خشک در دریا بگشا که از تعقیب (فرعونیان) خواهی ترسید و نه از غرق شدن در رود نیل. (سوره طه، ۷۷)

موسی علیه السلام به فرمان خدا عصای خود را به دریا زد. آب دریا شق شد و زمین درون دریا آشکار گشت، موسی و بنی اسرائیل از همان راه حرکت نموده و از طرف دیگر به سلامت خارج شدند. فرعون و سپاهیان فرا رسیدند و از همان راهی که در میان دریا پیدا شده بود، بنی اسرائیل را تعقیب کردند، غرور آن چنان بر فرعون چیره شده بود که به سپاه خود رو کرد و گفت: تماشا کنید چگونه به فرمان من دریا شکافته شد و راه داد تا بردگان فراری خود (بنی اسرائیل) را تعقیب کنم.

وقتی که تا آخرین نفر از لشکر فرعون وارد راه باز شده رود نیل شدند، ناگهان به فرمان خدا آنها از هر سو به هم پیوستند و همه فرعونیان را به کام مرگ فرو بردند.

در همان لحظه طوفانی که فرعون خود را در خطر شدید مرگ می دید، غرورهایش فرو ریخت و درک کرد که همه عمرش پوچ بوده و اشتباه کرده است با چشمی گریبان به خدای جهان متوجه شد و گفت: «أَمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ» (ایمان آوردم که هیچ معبودی جز معبودی که بنی اسرائیل به او ایمان آورده اند وجود ندارد، و من از تسلیم شدگان هستم. (سوره یونس، ۹۰)

ولی دیگر وقت و فرصت گذشته بود و لحظه ای برای توبه نمانده بود، امواج سهمگین رود نیل ، فرعون را غرق کرد و سپس کالبد بی جان او را به بیرون دریا پرتاب نمود تا مایه عبرت برای آیندگان گردد. (مضمون آیت ۹۰ تا ۹۲ سوره یونس).

« الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ » (۱۱) (اقوامی که در شهرها و کشورها طغیان و سرکشی کردند)

« فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفُسَادَ » (۱۲) (و در آنجاها خیلی فساد و تباهی به راه انداختند .)

« فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ » (۱۳) (آنگاه پروردگارت تازیانه عذاب را بر آنان فرو آورد).

«سوط» چیست :

«سوط» به معنای تازیانه و در اصل به معنی مخلوط کردن چیزی به چیزی است علاوه بر این به تازیانه که از رشته های مختلف چرم و مانند آن بافته شده اطلاق گردیده است و بعضی آن را کنایه از « عذاب » می دانند، عذابی که با گوشت و خون انسان آمیخته می شود و او را سخت ناراحت می کند.

« صَبَّ » در اصل به معنی فرو ریختن آب است. در اینجا اشاره به شدت و استمرار این عذاب است. این تعبیر کوتاه اشاره به مجازاتهای شدید و مختلفی است که دامنگیر این اقوام شد:

مفسرین می نویسند :

قوم عاد به وسیله تندباد سرد و سوزناک هلاک شدند (سوره حاقه-۶)

قوم ثمود به وسیله صیحه عظیم آسمانی نابود شدند (سوره حاقه-۵)

و قوم فرعون در میان امواج نیل غرق و مدفون گشتند (زخرف-۵۵)

و در آخرین آیت این بحث به عنوان هشدار به همه کسانی که در مسیر آن اقوام طغیانگر گام برمی دارند می فرماید:

« إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمِرْصَادِ » (۱۴) (مسئلاً پروردگار تو در کمین (مردمان و مترصد اعمال ایشان) است .

« مرصاد » از ماده « رصد » به معنای آمادگی برای مراقبت از چیزی است، معادل فارسی آن « کمینگاه » است.

این کلمه معمولاً در جایی به کار می رود که افراد ناچارند از گذرگاهی بگذرند و شخصی در آن گذرگاه آماده ضربه زدن به آنهاست و در مجموع اشاره به این است که گمان نکنید کسی می تواند از چنگال عذاب الهی بگریزد، همه در قبضه قدرت او هستند و هر وقت اراده کند آنها را مجازات می نماید. بدیهی است خداوند مکان ندارد و درگذرگاهی نمی نشیند، این تعبیر کنایه از احاطه قدرت پروردگار به همه جباران و طغیانگران و مجرمان است.

« فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ » (۱۵)

« اما انسان، هنگامی که پروردگارش وی را می آزماید » (با دادن نعمتها) « پس گرامی داردش و نعمت دهدش » (با دادن مال و گسترده کردن روزی و نعمت بر وی) « می گوید: پروردگارم مرا گرامی داشته است » (لذا با این پندار که بهره های دنیا گرامی داشت الهی از وی است، بدانها شاد و مغرور می شود، بی آنکه در برابر آن نعمتها شکر گزارد و یا این اندیشه در خاطرش خطور کند که این امتحانی برای او از جانب پروردگارش می باشد. بیضاوی می گوید: « گوئی حق تعالی می فرماید: ای انسان! بدان که من در کمین تو هستم و از تو می خواهم که برای آخرت تلاش کنی اما انسان جز در هم و غم دنیا و لذتهای آن نیست » (و اما چون او را بیازماید) (به بلا و محنت) « و روزی او را بر او تنگ گرداند » (و بر او در آن گشایش و فراوانی ارزانی ندارد) « می گوید: پروردگارم مرا خوار کرده است » (یعنی: مرا به خواری و حقارت درافکنده است. البته این صفت منکرانی است که بهرستخیز ایمان ندارند پس در نزد چنین کسانی، کرامت و عزتی جز دنیا و بهره مندیهای گسترده آن و نیز خواری و حقارتی جز با از دست دادن دنیا و عدم دسترسی به آرایش های آن، وجود ندارد. اما کرامت و عزت در نزد مؤمن این است که خداوند او را با بخشیدن توفیق طاعت و فرمانبرداری خویش، گرامی داشته و او را برای عمل آخرت توفیق دهد پس مؤمن نه گشایش در کار دنیا را کرامت محض تلقی می کند و نه تنگی آن را اهانت؛ بلکه گشایش و توانگری را آزمایشی برای خود می داند که آیا در قبال آن شکر و سپاس می گزارد یا خیر؟ و فقر را نیز آزمایشی برای خود می داند که آیا بر آن شکیبایی می ورزد و صبر می کند یا خیر؟) « نه، چنین نیست ».

« وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ » (۱۶) (و اما هنگامی که او را بیازماید، پس روزیش را بر او

تنگ گیرد (نا امید می شود و) می گوید: « پروردگارم مرا خوار کرده است » .

« كَلَّا بَلْ لَا تَكْرُمُونَ الْيَتِيمَ » (۱۷) (هرگز! هرگز! (نه چنین است، بلکه اكرام نمی كنید به یتیم) .

« وَلَا تَحَاضُونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ » (۱۸) (و همدیگر را تشویق و ترغیب نمی کنید به خوراك دادن به مستمند .

« وَتَأْكُلُونَ التَّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا » (۱۹) (و میراث را حریصانه می خورید (و حق دیگران را نمی دهید).

« وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا » (۲۰) (و اموال و دارائی را بسیار دوست می دارید (و سخت دلباخته مال و متاع دنیا

هستید .)

« كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ نَكَاً دَكًّا » (۲۱) (هرگز چنین نیست (که شما گمان می‌کنید) هنگامی که زمین سخت در هم گوبیده شود (و هموار گردد).

« وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا » (۲۲) (و پروردگارت (برای دادرسی) بیاید و (نیز) فرشتگان صف در صف (بیایند).
« وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذُّكْرَى » (۲۳) (در آن روز دوزخ را حاضر آورند (و نشانش دهند). در آن روز انسان به خود می‌آید، ولی چنین به خود آمدنی کی سودی به حال او دارد؟!)
« يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي » (۲۴) (خواهد گفت: کاش برای زندگی خود (خیرات و حسناتی) پیشاپیش می‌فرستادم!)
« فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ » (۲۵) (در آن روز (که چنین احوال و اوضاعی رخ می‌دهد، خداوند کافر را چنان عذابی می‌رساند که) هیچ کس عذابی همسان عذاب او را بدو نمی‌رساند.)
« وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ » (۲۶) (و (در آن روز) هیچ کسی همچون خداوند او را به بند نمی‌کشد (و به غل و زنجیر نمی‌بندد).

« يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ » (۲۷) (ای انسان آسوده خاطر (که در پرتو یاد خدا و پرستش الله، آرامش به هم رسانده‌ای و هم اینک با کوله‌باری از اندوخته طاعات و عبادات، در اینجا آرمیده‌ای)!
« ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً » (۲۸) (به سوی پروردگارت باز گرد، در حالی که تو از او خوشنودی و او از تو خشنود است).

« فَأَدْخُلِي فِي عِبَادِي » (۲۹) (پس در زمره بندگان (خاص) من در آی).

« وَادْخُلِي جَنَّتِي » (۳۰) (و به بهشت من داخل شو).

نفس مطمئنه

نفس مطمئنه، نفسی است که صاحب آن احساس کمک و امنیت از طرف خداوند می‌کند و نفس او در نزد پروردگار آرام است و با ذکر خدا مطمئن می‌شود و به سوی او باز می‌گردد و مشتاق لقاء و قرب او است، نفسی است، شکسته و خوار در نزد الله عزّ و جلّ زاهد و پرهیزگار در زندگی فانی دنیا، و ملائکه به صاحب نفس های مطمئنه در موقع مرگ می‌گویند: « يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ، ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً ، فَأَدْخُلِي فِي عِبَادِي ، وَادْخُلِي جَنَّتِي »
ای انسان آسوده خاطر (که در پرتو یاد خدا و پرستش الله، آرامش به هم رسانده ای و هم اینک با کوله‌باری از اندوخته طاعات و عبادات، در اینجا آرمیده ای)!، به سوی پروردگارت بازگرد، در حالی که تو (از کرده خود در جهان و از نعمت آخرت خوشنودی و (خدا هم) از تو خوشنود (است). به میان بندگانم در آی (و همراه شایستگان و از زمره بایستگان شو). و به بهشت من داخل شو (و خوش باش!)

و در تفسیر این آیت آمده است که (ای نفس به نزد خداوند، عزّ و جلّ، و به سوی ثواب الهی و رحمت او برگرد و خداوند از او راضی می‌گرداند و به این نفس در موقع نزدیک شدن مرگ و در روز قیامت مژده داده می‌شود که او از زمره بندگان صالح خداست و به زودی داخل بهشت می‌گردد درست مانند بشارت ملائکه به انسان مؤمن در واقع نزدیک شدن مرگ و برانگیخته شدن از قبر). (تفسیر ابن کثیر، ج ۱، ص ۵۱)

ابن عباس (رضی الله عنه) در بیان معنی نفس مطمئنه می‌فرماید:

(مطمئنه یعنی تصدیق شده) و حضرت قتاده (رحمة الله) می‌فرماید: (همانا مؤمن کسی است که نفسش به آنچه خداوند وعده داده است مطمئن است و صاحب این نفس در زمینه معرفت و شناخت اسماء خداوند به طور کامل از آن چه که بعد از مرگ و از این وقایع برزخ و نیز آن چه که بعد از آن هول و ترس قیامت وجود دارد، مانند این که آنها را با چشم

مشاهده می کند آشناسست و نیز نسبت به قضا و قدر خداوند مطمئن است و تسلیم آن می شود و به آن راضی می گردد و هیچ گونه داد و فریاد و شکوه ای نمی کند و در ایمانش دچار شک و تردید و اضطراب نمی گردد و بر آنچه که از دست می دهد نا امید نمی گردد و نیز نسبت به آنچه که به او می رسد شاد و مسرور نمی شود چرا که مصیبت وارده قبل از این که به او برسد برای او مقدر شده) .

و نفس مطمئنّه نفسی است بیدار که این بیداری باعث می شود انسان عیوب و آفتهای اعمال خویش را مشاهده کند و از جنایات و گناهانش دست بردارد و نیز او را بر بسیاری از حقوق و واجبات ترغیب می نماید و نفسش را فروتن می سازد و باعث فروتن شدن انسان می گردد و او را متواضع می گرداند و او را در برابر خداوند از میان مشاهده نعمتهایش و آشکار شدن و دیدن خطاها و عیب های خویش شرمنده و خجل می گرداند و در برابر او کرنش کرده و سر خم می کند و نیز هم چنین به ارزش زمان و اهمیتش پی می برد که آن سرمایه خوشبختی او است پس نسبت به آنچه که او را به پروردگارش نزدیک نمی کند، بیزار می شود و دور می کند.

هماندر نابود کردن آن، زیان و حسرت و در رشد و کمال آن سود و سعادت است، و این اثر و نتیجه بیداری اوست این اولین منزل از منازل نفس مطمئنّه است که سیر و تکامل به سوی خدا و روز قیامت از آن نشأت می گیرد.

برخی از خصوصیت های نفس مطمئنّه :

از جمله خصوصیات نفس مطمئنّه این است که آن نفس بیدار کننده و پاک کننده گناهان و لغزش ها در نزد خداوند است که ما را نسبت به ذکر خداوند تبارک و تعالی و کثرت توبه و طلب آمرزش و بازگشت به سوی او مطمئن می سازد و نیز ما را مشتاق به لقاء و قرب خداوند می سازد و ملائکه، رضایت خداوند را به او مژده می دهند، دانشمندان و علمای صالح خصوصیات نفس مطمئنّه را به شکل زیر بیان کرده اند:

رضایت و خشنودی به قضا و قدر خداوند عزّ و جلّ :

پروردگار با عظمت ما انسانهای صالح را چنین توصیف می نماید: «الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (پرهیزگاران) همانهایی که (به هنگام مرگ) فرشتگان (قبض ارواح) جانشان را می گیرند در حالی که پاکیزه (از کفر و معاصی) و شادان (از رویارویی سرافرازانه خود با پروردگار) هستند (فرشتگان بدیشان) می گویند : درودتان باد! (در امان خدائید و از امروز به ناراحتی و بلائی دچار نمی آئید و به خاطر کارهایی که می کرده اید به بهشت در آئید (سوره نحل/۳۲)

در حدیث شریفی رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرماید: «لَذَاقَ طَعْمِ الْإِيمَانِ مَنْ رَضِيَ بِاللَّهِ رَبًّا وَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا وَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ رَسُولًا» (کسی طعم ایمان را می چشد که الله را به عنوان پروردگار و اسلام را به عنوان دین و محمد- صلی الله علیه و سلم - را به عنوان رسول خدا قبول داشته باشد و به آن راضی و خشنود باشد). و کسی که در موقع شنیدن ندای اذان بگوید: «رَضِيْتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا وَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ رَسُولًا غُفِرَتْ لَهُ ذُنُوبُهُ» (روه مسلم) (من الله را به عنوان پروردگار و اسلام را به عنوان دین و محمد- صلی الله علیه و آل و سلم - را به عنوان فرستاده خدا قبول دارم و به آنها راضی و خشنود هستم ، گناهانش بخشیده می شود). و رضا به قضای خداوند نشانه محبوبیت کامل و نیز از صفات صالحان است ، خداوند متعال می فرماید: «رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ حَسِبَى رَبَّهُ» خدا از ایشان راضی و ایشان هم از خدا خوشنودند ! این (همه نعمت و خوشی) از آن کسی خواهد بود که از پروردگار خویش بهر اسد . (سوره البینه/۸)

و کسی که قلبش را از رضا و خشنودی الهی پُر کند، نفسش از ناراحتی و غمگینی و گرفتاری و اندوه رهایی می یابد و نفس خود را برای غلبه هوی و هوس شیطان رها نمی کند، و رضا و خشنودی با یقین، آرامش و امنیت را برای انسان مسلمان به ارمغان دارد و در این زمینه دعائی در حدیث وارد شده :

« اَللّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ نَفْساً بِكَ مُطْمَئِنَّةً وَ تَوْمِناً بِقَائِكَ ، وَ تَرْضَى بِقَضَائِكَ وَ تَقْنَعُ بِعَطَائِكَ » (پروردگارا! من از تو نفسی را می طلبم که به تو اطمینان داشته باشد و به لقاء تو ایمان و به قضای تو راضی و خشنود و به عطای تو قانع باشد).

فروتنی و ترس از خداوند :

انسان مسلمان عابد، همیشه از مرتکب شدن به معاصی و محرّمات در خوف و ترس شدیدی به سر می برد و این دلیلی بر صحت ایمان اوست، طوری که خداوند متعال می فرماید: « فَلَا تَخَافُوهُمْ وَ خَافُوْنَ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ » (از آنجا که شما به خدا ایمان دارید، بیباید و دلیر باشید و) از آنان مترسید و از من بترسید اگر مؤمنان (راستین) هستید (سوره آل عمران/۱۷۵).

و نیز خداوند بندگان مؤمنش را چنین توصیف می نماید: « اِنَّ الَّذِیْنَ هُمْ مِّنْ خَشِیَةِ رَبِّهِمْ مُّشْفِقُوْنَ » (کسانی که از خوف خدا در هراس هستند). (سوره مؤمنون/۵۷)

امیدواری به رحمت الله :

خداوند، بندگان صالحش را به داشتن خصلت و خوی امیدواری توصیف می نماید و می فرماید: « اُولَئِكَ یَرْجُوْنَ رَحْمَتَ اللّهِ وَ اللّهُ غَفُوْرٌ رَّحِیْمٌ » (آنان رحمت خدا را چشم می دارند، و خداوند آمرزنده و مهربان است). (سوره بقره/۲۱۸). و از جمله دعاهای رسول الله صلی الله علیه و سلم است که می فرماید: « اَللّهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَ اَعُوْذُ بِمُعَافَاةِكَ مِنْ عُقُوْبَتِكَ وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْكَ لَا اُحْصِیْ ثَنَاءً عَلَیْكَ اَنْتَ كَمَا اَنْتَ عَلَیْ نَفْسِكَ » (رواه/احمد و ترمذی). (پروردگارا! من از غضب تو به رضای تو، و از عذاب تو به عفو تو، و از عذاب تو به تو پناه می برم، حمد و ثنا بر تو حدی ندارد حمد و ثنا به گونه ای است که خودت خویش را توصیف کرده ای) امیدواری به رحمت خداوند به نفس بشری ثابت می کند که به حقیقت، نفس انسان احتیاج دائمی به خداوند - عزّ و جلّ - دارد، و امکان ندارد که نفس انسان از رحمت و کرم و فضل و توفیق خدا بی نیاز شود.

کوتاهی و سهل انگاری در امید به خدا جایز است و نیز مداومت کردن بر گناه و نافرمانی به امید رحمت خداوند مذموم و نکوهیده است، پس رجاء و امید صحیح و پسندیده آن است که امیدواری و رجاء به رحمت خداوند همراه عمل صالح برای خدا باشد، که این مصداقی از فرموده خداوند - عزّ و جلّ - است که میفرماید:

« فَمَنْ كَانَ یَرْجُوْ لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْیَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَ لَا یَشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ اَحَدًا »

پس هرکس که خواهان دیدار خدای خویش است، باید که کار شایسته کند و در پرستش پروردگارش کسی را شریک نسازد. (سوره کهف/۱۱۰)

و رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - این مطلب را تأکید کرده و می فرماید:

« لَیْسَ الْاِیْمَانُ بِالْتَّمَنّٰی وَ لٰكِنْ مَا وَقَرَ بِالْقَلْبِ وَ صَدَقَهُ الْعَمَلُ » (متفق علیه)

(ایمان فقط با خواهش و تمنا نیست و بلکه ایمان این است که در قاب رسوخ کند و با عمل تصدیق شود) پس امید به رحمت خدا جز با عمل درست نیست.

کثرت استغفار و توبه و بازگشت به راه حق و حقیقت صاحب نفس مطمئنّه خطاها و گناهان صغیره و کوچک خویش را بزرگ می شمارد و از آنها به سوی خداوند - عزّ و جلّ - رو می آورد و با طلب آمرزش و بخشش به او پناهنده می شود و با طلب غفران و پشیمانی بر آنچه که انجام داده ، تصمیم بر این که هرگز به انجام معاصی و نافرمانی بازنگردد و با افزایش طاعات و عبادات سر به درگاه الهی خم کرده و توبه می کند و از او پیروی می نماید . و خداوند متعال بندگان را به استغفار و توبه امر می کند و می فرماید: «وَأَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى»

و این که از پروردگارتان طلب آمرزش کنید و به سوی او برگردید که خداوند (به سبب استغفار صادقانه و توبه مخلصانه) شما را تا دم مرگ به طرز نیکویی (از مواهب زندگی این جهان) بهره مند می سازد(سوره هود/ ۳)

و هم چنین خداوند به ما امر کرده که توبه باید صادق و حقیقی و خالص برای او باشد ، پس خداوند متعال می فرماید: « يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوْبُوا إِلَى اللَّهِ تُوْبَةً نُّصُوْحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يَكْفِرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَنْتُمْ لَنَا نُورٌ وَغُفِرَ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» ترجمه :ای مؤمنان ! به درگاه خدا برگردید و توبه خالصانه ای بکنید ، شاید پروردگارتان گناهانتان را محو نماید و بزدايد ، و شما را به باغهای بهشتی داخل گرداند که از زیر (کاخها و درختان) آن رودبارها روان است . این کار در روزی خواهد بود که خداوند پیغمبر و کسانی را خوار و سبک نمی دارد که با او ایمان آورده اند (بلکه ایشان را والا می گرداند و به درجات بالا می رساند) . نور (ایمان و عمل صالح) ایشان ، پیشاپیش و سوی راستشان (رو به جانب بهشت) در حرکت است .

(وقتی که خاموش شدن نور منافقان را می بینند ، رو به درگاه خدا می کنند و) می گویند : پروردگارا ! نور ما را کامل گردان (تا در پرتو آن به بهشت برسیم) و ما را ببخشای ، چرا که تو بر هر چیزی بس توانایی . (سوره تحریم /۸) و خداوند توبه کنندگان را دوست دارد و می فرماید: « إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ » بی گمان خداوند توبه کاران و پاکان را دوست می دارد . (بقره /۲۲۲)

پشیمانی از جمله وصیتهای رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - نسبت به بندگان صالح خداوند است که می فرماید: « يا أَيُّهَا النَّاسُ تُوْبُوا إِلَى اللَّهِ فَإِنَّهُ لَأُتُوبَ فِي الْيَوْمِ إِلَيْهِ أَكْثَرَ مِنْ سَبْعِينَ مَرَّةً » (رواه مسلم و بخاری) (ای مردم! به سوی خداوند برگردید و توبه کنید که قسم به خدا من در روز بیشتر از هفتاد بار توبه می کنم) و نیز می فرماید: « لَنْ أَشُدَّ فَرَحًا بِتُوْبَةِ عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ مِنْ رَجُلٍ فِي أَرْضٍ دَوِيَّةٍ مَهْلِكَةٍ مَعَهُ رَاحِلَتُهُ عَلَيْهَا طَعَامُهُ وَشَرَابُهُ فَنَامَ فَاسْتَيْقَظَ وَقَدْ ذَهَبَتْ فَطَلَبَهَا حَتَّىٰ أَدْرَكَهُ الْعَطَشُ ثُمَّ قَالَ أَرْجِعْ إِلَىٰ مَكَانِي الَّذِي كُنْتُ فِيهِ فَإِنَّمَا حَتَّىٰ أَمُوتَ فَوَضَعَ رَأْسَهُ عَلَىٰ سَاعِدِهِ لِيَمُوتَ فَاسْتَيْقَظَ وَعِنْدَهُ رَاحِلَتُهُ وَعَلَيْهَا زَادُهُ وَطَعَامُهُ وَشَرَابُهُ فَاللَّهُ أَشَدُّ فَرَحًا بِتُوْبَةِ الْعَبْدِ الْمُؤْمِنِ مِنْ هَذَا بِرَاحِلَتِهِ » (رواه البخاری و مسلم)(توبه بنده مؤمن در نزد خدا خوشایندتر از مردی است که در سرزمین خشک و مرگباری سفر می کند که همراهش شتری است که برد آن طعام و نوشیدنی است، و می خوابد، و هنگامی که بیدار می شود مشاهده می کند که شترش رفته است پس به دنبال آن می رود تا این که تشنگی او را فرا می گیرد، به خود می گوید: به مکانی که در آن بودم برگردم و بخوابم تا این که بمیرم، سرش را بر بازوهایش قرار می دهد تا این که مرگش فرا رسد، وقتی که بیدار می شود، شترش را نزد خویش می یابد که بر آن توشه و طعام و نوشیدنی است، پس خدا بیشتر از این شخص که به یافتن شترش خوشحال می شود از توبه مؤمنش شاد و مسرور می گردد.)

انواع واقسام نفس انسان :

خداوند به ما خبر داده است که نفوس به سه دسته تقسیم شده‌اند:

۱- نفس اماره.

۲- نفس لوامه.

۲- نفس مطمئنه.

«إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي» (سوره یوسف: ۵۳) «چرا که نفس (سرکش طبیعتاً به شهوات می‌گراید و زشتیها را تزئین می‌نماید و مردمان را) به بدیها و نابکاریها می‌خواند، مگر نفس کسی که پروردگارش بدو رحم نماید (و او را در کنف حمایت خود مصون و محفوظ فرماید).» «وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ» (سوره القیامة: ۲) (و به نفس سرزنشگر سوگند! (که پس از مرگ زنده می‌گردید و رستاخیز حق است)

«ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً * فَادْخُلِي فِي عِبَادِي * وَأَدْخُلِي جَنَّتِي» (الفجر: ۲۷ - ۳۰) (ای انسان آسوده خاطر (که در پرتو یاد خدا و پرستش الله، آرامش به هم رسانده‌ای و هم اینک با کوله‌باری از اندوخته طاعات و عبادات، در اینجا آرمیده‌ای!) به سوی پروردگارت بازگرد، در حالی که تو (از کرده خود در جهان و از نعمت آخرت یزدان) خوشنودی، و (خدا هم) از تو خوشنود (است). به میان بندگانم درآی (و همراه شایستگان و از زمره بایستگان شو). و به بهشت من داخل شو)

البته منظور این نیست که هر انسان سه نفس را دارا باشد، بلکه منظور این است که این سه، صفات و حالاتی هستند که ممکن است با در نظر گرفتن شرایط برای ذاتی عارض شوند، مثلاً هرگاه هوس‌های نفس بر انسان غلبه کنند و نفس مرتکب گناه و معاصی شود، نفس اماره درست می‌شود و اگر بعد از گناه توبه و پشیمانی صورت گیرد، نفس لوامه ایجاد می‌شود، چون انسان را بر انجام گناه ملامت می‌کند و در ارتکاب گناه و انجام حسنات دچار شک و تردید می‌شود. اما نفس مطمئنه در صورتی است که محبت به خیر و میل به حسنات و دوری از شر و بدیها به ملکه و اخلاق راسخی در بدن تبدیل شده باشند. شرح طحاویة

شارح طحاویة بعد از بیان انواع و اقسام نفوس می‌فرماید: حقیقتاً این نفس‌ها برای یک انسان عارض می‌شوند، یعنی نفس انسانی دارای سه حالت می‌باشد، ابتداء انسان را به انجام گناه دستور می‌دهد سپس اگر ایمان بیاید نفس لوامه درست می‌شود و بعد از ارتکاب گناه انسان را محاکمه و سرزنش می‌کند و اگر ایمان قوت بگیرد به نفس مطمئنه مبدل می‌گردد. شرح الطحاویة: ۴۴۵.

آیا نفس می‌میرد؟

ابن تیمیه می‌فرماید: بدون تردید ارواح مخلوق هستند و عدم و فنا بر آنها عارض نمی‌شود، ولی مرگ شان با جدائی از بدن‌ها صورت می‌گیرد و هنگام دمیدن نفخه ثانیه ارواح به بدن‌ها باز می‌گردند. مجموع فتاوی (۲۷۹/۴). شارح طحاویة این مسأله را مطرح نموده و می‌گوید: مردم درباره این که آیا روح می‌میرد یا خیر اختلاف نظر دارند، گروهی بر این عقیده هستند که ارواح می‌میرند، چون آنها نفوس هستند و هر نفسی لا جرم می‌میرد، اگر فرشتگان از مرگ نجات پیدا نکنند روح هرگز نجات پیدا نخواهد کرد. گروه دیگری هم بر این باوراند که ارواح نمی‌میرند، چون ارواح برای بقاء و دوام آفریده شده‌اند و بدن و جسم هم برای مرگ و نابودی، بنا بر این اصل می‌گویند: احادیثی که دال بر منعم یا معذب بودن ارواح هستند حکایت از آن دارند که ارواح از بین نمی‌روند. دیدگاه صحیح در این باره این است که گفته شود: مردن ارواح و نفوس یعنی مفارقت و جدائی آنها از بدن، اگر منظور از مردن ارواح و نفوس همین قدر یعنی خروج از ابدان باشد، پس آنها طعم مرگ را می‌چشند و «کل نفس ذائقة

الموت» در حق آنها نیز جاری است، ولی اگر منظور از مردن ارواح فنا و معدوم شدن به طور کلی باشد، درست نیست، چون روح در بهشت و جهنم ماندگار است و از نعمت و یا عذاب بهره‌مند می‌شود، همانگونه که خداند در قرآن می‌فرماید: «لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ» (سوره الدخان: ۵۶) (آنان هرگز در آنجا مرگی جز همان مرگ نخستین (که در دنیا چشیده‌اند و بعد از آن زنده شده‌اند) نخواهند چشید، و خداوند آنان را از عذاب دوزخ به دور و محفوظ داشته است.) و منظور از این مرگ همان مفارقت و جدائی از ابدان و اجساد است. شرح طحاویه: ۴۴۶.

فرق بین شیطان و نفس چیست؟

چگونه بدانیم که شیطان است یا نفس که ما را وادار به گناه می‌کند؟
نفس آدمی شامل سه نوع است:

- ۱- نفس اماره؛ که او را به بدی امر می‌کند و از راه خدا و خیر دور و در گناه و معصیت غوطه‌ور می‌سازد.
- ۱- نفس لوامه؛ هرگاه انسان خواست کاری بکند یا تصمیم به انجام گناهی گرفت. نفس ملامتگر او را سرزنش می‌کند و جلوی او را می‌گیرد تا برگردد، توبه کند و به سوی جاده‌ی درستی قدم نهد.
- ۳- نفس مطمئنه؛ که بالاتر از نفس لوامه است و انسان را به حالت آرامش می‌رساند به گونه‌ای که حلاوت ایمان و عبادات را درک کرده و لذت می‌برد.

هرگاه فکر گناه یا انجام آن به ذهنش خطور کرد نفس لوامه‌اش او را سرزنش می‌نماید که آن کار را نکند. پس با حالی پشیمان و گریان به سوی پروردگارش بر می‌گردد و از حق تعالی طلب بخشش می‌کند. فرجام نیکی ندارد کسی که پایان کارش با نفس اماره باشد در حالی که جائی برای بازگشت و پشیمانی نمانده و این زیانکاری آشکاری است.
طبیعت انسان قید و بندپذیر نیست و نفس او می‌خواهد که از تمامی بندها آزاد باشد:

«وَمَا أُبْرِي نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ» (سوره یوسف: ۵۳) این نفس صاحبش را به آن چه دلش می‌خواهد امر می‌کند و به سوی گناه و نافرمانی سوق می‌دهد و از جاده‌ی پرستش او را دور می‌کند. برای او تمامی وسایل گناه و نافرمانی، شگفت‌انگیز و جالب است و نیروهای فسق و فجور در مزرعه‌ی دل او در حال رشد و نمو می‌باشند. در کلام خداوند منان تأمل کن: «لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ». خداوند فرمودند: «أمره بالسوء». این موضوع به‌خاطر کثرت دستورات نفس به بدی است و غالباً به‌خاطر زیادی دستور نفس اماره به صاحبش، جهت انجام کارهای ناشایست به وسیله‌ی این خوی خستگی‌ناپذیر بودن نفس است. مگر صاحبش لگام این افسار گسیخته را محکم بگیرد اما نفس امر کننده به بدیها و معاصی جدای از شیطان است و شیطان همان قرین آدمی است که او را به معاصی دعوت می‌کند. ولی از شأن نفس بشری فرمان دادن به بدی است، به سبب این‌که نفس به شهوات گرایش داشته و شهوات در آن تأثیر طبیعی دارد و بازداشتن و مهار کردن آن از این گرایش دشوار است. در حدیث شریف آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «چه می‌گوئید درباره‌ی رفیقی که به همراه دارید، رفیقی که اگر او را گرامی داشته و اطاعتش کنید و او را ببوشانید، شما را به بدترین فرجام می‌رساند و اگر او را خوار سازید و عریان و گرسنه بدارید، شما را به بهترین فرجام می‌رساند؟ اصحاب گفتند: یا رسول الله! این چنین رفیقی، بدترین رفیق در روی زمین است. فرمودند: سوگند به خدائی که جانم در قبضه‌ی قدرت اوست، این رفیق همانا نفس‌های شماست که در میان پهلوهایتان است.» (انوارالقرآن)

اما این که تمایل انسان به امورات زشت ناشی از شیطان است یا نفس اماره ، مهم نیست که از طرف کدامیک باشد مهم اینست که نباید تسلیم هوا و هوس خود و دیگران گشت. اما با توجه به این که در ماه رمضان شیاطین در غل و زنجیر می افتند می توان گفت آنچه که در این ماه باعث کشاندن آدمیان به معاصی است همان نفس اماره است. و در حقیقت نفس اماره تمایل و گرایشی در درون هر انسانی است که امورات منکر و زشت را می پسندد و شیطان از این نفس به نفع اهداف خود بهره برداری کرده و آن استعداد را در درون آدمیان پرورش می دهد تا به راحتی بتواند انسانها را به دام خود گرفتار سازد.

صدق الله العظيم و صدق رسوله نبی الکریم.

فهرست :

معلومات مؤجز
روزگار نبوت و طلوع اسلام
وجه تسمیه
فضیلت آن
اسباب نزول
دو داستان ذی عبرت
محتوای کلی سوره فجر
ترجمه و تفسیر مؤجز
لغت نامه
نفس مطمئنہ
انواع و اقسام نفس انسان
آیا نفس می میرد؟
فرق بین شیطان و نفس چیست؟

منابع و مأخذ عمده:

- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم (تألیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول علامه جلال الدین سیوطی ترجمه از عبد الکریم ارشد فاریابی
- تفسیر انوار القرآن - نوشته: عبدالرؤف مخلص هروی
- فیض الباری شرح صحیح البخاری داکتر عبد الرحیم فیروز هروی
- تفسیر طبری - امام المفسرین
- تفسیر المیزان
- تفسیر پرتوی از قرآن
- تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر (متوفی سال ۷۷۴ هـ)
- مفردات الفاظ القرآن، از راغب اصفانی
- جلوه های از اسرار قرآن حکمتیار

- تفسير معارف القرآن مؤلف حضرت علامه مفتى محمد شفيع عثمانى ديوبندى مترجم مولانا محمد يوسف حسين پور
- تفسير فى ظلال القرآن، سيد قطب (متوفى سال ۱۳۸۷ هـ)
- تفسير نور تأليف دكتور مصطفى خرم دل
- تفسير كابلې (تأليف: شيخ محمود الحسن ديوبندى مترجم: هيأتى از علمای افغانستان)
- صحيح مسلم
- صحيح البخارى